

ترجمہ کی کتاب:

خطابنا الاسلامی عصر العولمة

کفتمان دینی

در عصر ارتباطات

مؤلف:

دکتر یوسف قرضاوی

مترجم:

عبدالصمد مرتضوی



قرضاوی، یوسف، ۱۹۲۶-م.

Qaradawi, Yusuf

خطابنا الاسلامی فی عصر العولمة، فارسی.

گفتمان دینی در عصر ارتباطات / مولف یوسف قرضاوی؛ مترجم عبدالصمد مرتضوی.

۳۱۲ص. تهران: احسان، ۱۳۹۰.

ISBN: 978-964-356-787-3

فیفا.

موضوع: اسلام -- تبلیغات

شناسه افزوده: مرتضوی، عبدالصمد، ۱۳۵۹ -، مترجم

۱۳۸۹ ۰۴۱ غخ/ ۱۱/۶۲/ ۲۹۷/۰۴۵ BP

کتابخانه ملی ایران: ۲۰۷۹۹۰۸

گفتمان دینی در عصر ارتباطات

✦ مؤلف: دکتر یوسف قرضاوی

✦ مترجم: عبدالصمد مرتضوی

✦ ناشر: نشر احسان

✦ چاپخانه: مهارت

✦ صفحه‌آرایی: نادیا محمدی

✦ نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

✦ تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

✦ قیمت: ۵۰۰ تومان

✦ شابک: ۲-۷۸۷-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸



نشر

فروشگاه:

تبریز، ج. انقلاب، روبروی دانشگاه.

مجموعه فروزنده، شماره ۲۰۶

تلفن: ۲۶۹۵۴۴۰۴

فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۱	کسانی که در عصر خویش زندگی نمی‌کنند.....	۵۲
مقدمه‌ی مؤلف.....	۱۹	گفت‌وگو با مخالفین به نحو احسن....	۵۳
آیا گفتمان دینی تغییرپذیر است؟.....	۱۹	نفرین کردن و دعاهایی که احساسات دیگران را خدشه‌دار می‌کند.....	۵۶
متفاوت بودن گفتمان دینی در عصرهای مختلف.....	۲۱	به جای عبارت «کفار» عبارت «غیرمسلمین» را جای‌گزین کنیم.....	۵۹
قرآن ما را به تجدیدنظر در گفتمان دینی فرا می‌خواند.....	۲۷	عبارت «هموطنان» را جای‌گزین عبارت «اهل ذمه» کنیم.....	۶۲
مشروعیت نواندیشی (تجدد) در دین.....	۲۸	از روابط انسانی تعبیر به «اخوت» نماییم.....	۶۴
جهت دادن به بیداری اسلامی.....	۳۱	(تعبیر) بوزینه زادگان و خوک زادگان.....	۶۸
گفتمان دینی در قرآن.....	۳۲	هرگونه تحریفی در اسلام مردود است.....	۷۱
ویژگی‌های گفتمان دینی مطلوب.....	۳۴	چه گونه‌ی گفتمان دینی در عصر ارتباطات.....	۷۷
اسلوب حکمت.....	۳۶	۱- ایمان به خدا و توجه به مقام انسان.....	۷۹
سخن گفتن با مردم با زبان خودشان.....	۳۷	موقعیت دعوت‌گران دینی.....	۹۴
مدارا کردن با مردم.....	۳۷	۲- ایمان به وحی و عدم بی‌توجهی به قودی عقل.....	۹۶
سنجش اعمال و رعایت اولویت در آنها.....	۳۸		
رعایت سنت تدرّج (درجه‌بندی امور).....	۴۴		
اسلوب موعظه‌ی حسنه.....	۴۸		
مخالفت بسیاری از دعوت‌گران دینی با گفتمان قرآن.....	۵۲		

- مسئولیت دعوت‌گران دینی ۱۱۵
- ۳- دعوت به معنویت، در ضمن توجه به نیازهای مادی ۱۲۰
- جوانب روحی انسان یعنی چه؟ ۱۲۱
- توجه به جوانب مادی انسان ۱۲۵
- اهتمام به دنیا و برآوردن نیازهای مادی ۱۲۵
- ثروتی که باید بر آن غبطه خورد ۱۲۸
- استفاده از وسایل رفاهی ۱۳۴
- توجه به نیازهای جسمی ۱۳۶
- رسالت دعوت‌گران دینی ۱۳۸
- ۴- عنایت به شیعیان دینی و عدم بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی ۱۴۱
- عبادت‌های خالص و مطلوب ۱۴۳
- کرامت‌های اخلاقی ثمره‌ی ایمان است ۱۴۶
- گسترده‌ی اخلاق اسلامی ۱۵۰
- عمومیت اخلاق اسلامی ۱۵۱
- رسالت دعوت‌گران دینی ۱۵۳
- ۵- دعوت به تحکیم عقیده و اشاعه‌ی روحیه‌ی تسامح و دوستی ۱۵۶
- دعوت به ملایمت و مدارا کردن با مخالفین ۱۶۰
- پایه‌های فکری و عقیدتی تسامح اسلامی ۱۶۱
- قانون مناسبات و روابط با غیر مسلمانان ۱۶۴
- دعوت به دوستی و مهربانی ۱۶۶
- رسالت دعوت‌گران دینی ۱۷۰
- ۶- توجه به واقعیت‌های انسانی و تلاش برای سوق دادن آن به سرحد کمالات ۱۷۱
- مسئولیت دعوت‌گران دینی ۱۸۲
- ۷- دعوت به تلاش و استقامت و عدم بی‌توجهی به تفریحات (سالم) ۱۸۴
- ۸- جهانی اندیشیدن در ضمن توجه به مسائل و واقعیت‌های ناحیه‌ای ۱۹۳
- مقایسه‌ی جهان‌شمولی اسلامی با جهانی شدن ۱۹۶
- توجه به واقعیت‌های ناحیه‌ای ۲۰۱
- رسالت دعوت‌گران دینی ۲۰۴
- ۹- تجددگرایی در ضمن پای‌بندی به اصول بنیادی ۲۰۶
- ویژگی‌های جهان معاصر ۲۰۸
- نوگرایی به معنی پشت پا زدن به ایده‌ها و اندیشه‌های پیشین نیست ۲۱۰
- ثبات در اهداف در عین تنوع وسیله‌ها ۲۱۳
- مسئولیت دعوت‌گران دینی ۲۱۳
- ۱۰- آینده‌نگری و عدم بی‌توجهی به گذشته ۲۱۶
- آینده‌نگری در قرآن کریم ۲۱۶
- آینده‌نگری پیامبر ﷺ ۲۱۹
- عدم بی‌توجهی به گذشته ۲۲۲
- مسئولیت دعوت‌گران دینی ۲۲۵
- ۱۱- آسان‌گیری در فتوا و نویدبخشی در دعوت ۲۲۶

در فتاویٰ فقهی فتاویٰ آسان را بر سخت	۲۲۶
ترجیح دهیم.....	۲۳۱
سخت‌گیری در اصول.....	۲۳۳
بشارت دادن در دعوت.....	۲۳۵
مسئولیت دعوت‌گران دینی.....	۱۲ - باز دانستن باب‌اجتهاد در ضمن عدم
تعدی به ثوابت دینی.....	۲۳۷
ضوابط و شاخصه‌های اجتهاد در جهان	معاصر.....
۲۴۲	رسالت دینی ما در جهان معاصر.....
۲۴۹	۱۳ - مردود شمردن خشونت ضمن تأیید
جهاد به عنوان یکی از مبانی دین.....	۲۵۱
خشونت مردود و خشونت مفروض.....	۲۵۱
تروریسم پدیده‌ای جهانی.....	۲۵۷
جهاد مشروع و مفهوم آن.....	۲۵۷
فرق میان جهاد و کشتار.....	۲۵۸
هدف کلی جهاد.....	۲۵۹
مراتب جهاد و انواع آن.....	۲۶۰
جهاد در قالب دعوت و تبلیغ.....	۲۶۲
جهاد در قالب صبر و پایداری.....	۲۶۲
جهاد در قالب کسب روزی حلال.....	۲۶۳
جهاد در قالب تلاش در جهت ارتقای	سطح علمی و اقتصادی امت.....
۲۶۴	جهاد در قالب نبرد و قتال.....
۲۶۵	صلح‌طلبی در اسلام.....
۲۶۹	رسالت دینی ما در جهان معاصر.....
۲۷۱	۱۴ - رعایت انصاف در مورد زنان و ستم
نکردن بر مردان.....	۲۷۴
اسلام منصفانه انسانیت زن را به	رسمیت می‌شناسد.....
۲۷۵	فرزند دختر از دیدگاه اسلام.....
۲۸۱	جایگاه زن در اسلام به عنوان همسر
۲۸۲	مقام مادر در اسلام.....
۲۸۸	زن عضوی از جامعه است.....
۲۸۹	مسئولیت دعوت‌گران و مبلغین دینی.....
۲۹۱	۱۵ - رعایت حقوق اقلیت‌ها و عدم ظلم
بر اکثریت.....	۲۹۳
راهکارهای اسلامی برای حل مشکلات	اقلیت‌های دینی.....
۲۹۴	رسالت دینی ما در جهان معاصر.....
۳۰۶	

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند بلندمرتبه می فرماید:

﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾
(نحل: ۱۲۵)

(دعوت کن (یعنی مردمان را) به سوی راه پروردگار خویش به دانش و پند نیک و مناظره کن با ایشان به طریقی که وی نیک است، هر آینه پروردگار تو داناتر است به کسی که گم راه باشد از راه او، و او داناتر است به راه یابان).^۱

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ شُحْخَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾
(یوسف: ۱۰۸)

(بگو: این راه من است. می خوانم به سوی خدا، با حجتی ظاهر من و پیروان من نیز می خوانند، و پاکی خدا راست و نیستم من از شریک مقررکنندگان).

﴿وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾
(ابراهم: ۴)

(و نفرستادیم هیچ پیغامبر را مگر به زبان قوم او تا بیان کند برای ایشان. پس گم راه سازد خدا هر که را خواهد و راه نماید هر که را خواهد و اوست غالب با حکمت).

۱. ترجمه ی آیات در این کتاب با اندکی دخل و تصرف برگرفته از ترجمه ی شاه ولی الله دهلوی (به کوشش مسعود انصاری) می باشد. دلیل این انتخاب نیز آن است که یکی از اساتید معروف کشور در دانشگاه تهران که از چهره های ماندگار نیز به حساب آمده است در یکی از کلاس های خویش این ترجمه را بهترین ترجمه ی فارسی و کامل ترین آنها معرفی فرمودند. (مترجم)

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا﴾^۱
(اسرا: ۵۳)

(و بگو بندگان مرا که بگویند کلمه‌ای را که آن بهتر است هر آینه شیطان نزاع می‌افکند میان مردمان، هر آینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکار.)

انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
﴿يسرروا ولا تعسروا و بشروا ولا تنفروا﴾^۲

(بر مردم آسان بگیرید و نسبت به آن‌ها سخت‌گیری نکنید و (مردم را به رحمت خداوندی) نوید دهید و از ناامید کردن آنان پرهیزید).^۳

سبل بن سعد نیز روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
﴿لأن يهدي الله بك رجلاً واحداً خير لك من حمر النعم﴾^۴

اگر خداوند به واسطه‌ی تو یک نفر را هدایت کند این برای تو از (داشتن) شتران سرخ‌مو بهتر خواهد بود.

۱. بخاری و مسلم (حدیث متفق علیه است).

۲. در شروح حدیثی برخی نفرت را متضاد بشارت دانسته و آن را ناامیدی ترجمه کرده‌اند، هر چند برخی نیز آن را تنفر و اشمئزاز معنا نموده‌اند. (نک: فتح الباری و مسلم بشرح النووی، ذیل

هین حدیث ۱). (مترجم).
۳. متفق علیه.

پیش‌گفتار

«الحمد لله وكفى، و سلام على رُسله الذين اصطفى و على خاتمهم المجتبى، محمد و آله و صحبه و من بهم اقتدى فاهدى»

پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱. م. عددی زیادی طی نوشته‌ها و مکاتبات خود از ما مسلمانان خواستند تا در گفتمان دینی خویش به خصوص در برخورد با مخالفین و دیدگاه‌های آن‌ها تجدید نظر کنیم. البته این درخواست نقدگونه گاه به حق و گاه به ناحق مطرح شده و گاه نیز هر چند سیمای حق به جانب به خود گرفته اما اهداف و پیامدهای شومی را در پی داشته است. اعتراف می‌کنیم که برخی افراد و احزاب اسلامی به خصوص در برخورد با مخالفین مذهبی، فکری، سیاسی و دینی خود تشدد به خرج می‌دهند و در این راستا افراط می‌نمایند، اما خداوند را سپاس می‌گوییم که به این‌جانب (مؤلف) توفیق داد تا از زمانی که قلم به دست گرفته و نویسندگی آغاز کردم در مقابل این جریانات تندرو جبهه‌گیری کنم.^۱

۱. از سال ۱۹۶۰ که کتاب (الحلال و الحرام فی الاسلام) را تألیف نمودم سعی کردم میانه روی را اختیار کرده و به مخالفت با تندروی و غلو پردازم. وجه تمایز منهجی که ما اختیار کردیم با سایر منهجها آن است که در فتاوی فقهی خویش بر مردم آسان بگیریم و سعی کنیم بیش از این که آن‌ها را بیم دهیم به آن‌ها نوید دهیم و آن‌ها را به گفت‌وگو و تسامح با مخالفین فرا بخوانیم. از اوایل دهه‌ی هفتاد هنگامی که بیداری معاصر اسلامی شکل گرفت این منهج، وضوح بیش‌تری یافت و احساس می‌شد بایستی این بیداری از پشتوانه‌هایی برخوردار گشته و بدان جهت داده شود تا جریان‌های تندرویی که اسلام آن‌ها را از جمله‌ی نابودکنندگان امت اسلامی قلمداد کرده موجب تحریف و انحراف آن نشوند.

تندروی و غلو را فطرت انسانی نمی‌پسندد و دین نیز آن را مذموم می‌داند و در این عصر که مردم (جهان) آن‌قدر به هم نزدیک شده (و آن‌قدر روابط میان آن گسترده شده) که گویی اهل یک روستای کوچک‌اند، این تندروی مذموم‌تر خواهد بود.

حقیقتاً اکنون زمان آن است که مردم مطابق یافته‌های جدید و در چارچوب اصول و ضوابط ثابت دینی که با تغییر زمان و مکان دچار تحول و تغییر نمی‌گردد در افکار، دیدگاه‌ها و اجتهادات خویش تجدیدنظر کنند. علمای ما گفته‌اند: اگر موجبات یک فتوا تغییر کند الزاماً بایستی فتوا نیز تغییر یابد.

چنانچه در موارد فوق تجدیدنظر شود ضرورتاً موجب خواهد شد که ما یا در مضمون برخی گفته‌ها و یا در اسلوب آن‌ها و یا ترتیب آن‌ها به لحاظ اولویت و درجه‌ی اهمیت و غیره تغییری صورت دهیم. بسیاری از مسلمانان مخلص به ضرورت این تغییر پی برده و دیگران را نیز بدین امر فرا می‌خوانند و ارشاد می‌کنند. از این میان برادران مومن، متدین و دارای افکار و اندیشه‌های راسخ و مطمئنی نیز هستند که در اروپا و آمریکا فعالیت می‌کنند.

بدیهی است؛ این‌که برخی موافقان خواسته‌های آمریکا و هم پیمان‌های او از ما مسلمانان می‌خواهند تا دینی جدید برای خویش تدوین کنیم و یا موارد و اصولی را از آن حذف کنیم و یا تغییر و تبدیلی (در ثوابت آن) ایجاد نماییم، خواسته‌ای بی‌اساس را مطرح می‌کنند، (زیرا چنین تغییری در دین باطل و ناجایز است).

به این ترتیب اگر ما خواسته باشیم رضایت آمریکا را جلب کنیم بایستی کل منهج آموزشی دین و گفتمان دینی خویش را به کلی تغییر دهیم. البته آمریکا (و هم پیمانان او) هیچ‌گاه از ما راضی نخواهند شد مگر این‌که از دین خود بی‌دین شویم و به کفر گراییم. خداوند بلندمرتبه در این مورد می‌فرماید:

﴿وَكَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوْكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ﴾
(بقره: ۱۰۹)

(دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که کافر گردانند شما را بعد از ایمان شما به سبب حسد از نزد نفوس خود، پس از آن‌که واضح شد بر ایشان حق).

در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ﴾ (بقره: ۱۲۰)

(و هرگز خشنود نشوند از تو یهودیان و نه ترسایان تا آن که پیروی کنی کیش ایشان را.)

مدتی است برخی از سازمان‌ها و تشکل‌های عربی - اسلامی به محدود کردن منابع دینی که به شخصیت و عقلانیت مسلمان جهت می‌دهد، می‌پردازند و مدام سعی می‌کنند آن دسته از مفاهیم دینی که موجب می‌شود شخص مسلمان برای دفاع از حق، دلیرانه همت گمارد و به جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر بپردازد را حذف نمایند. همچنین آنها با هر دعوت و ارشادی که به احیای صحیح دین اسلام می‌انجامد مخالفت ورزند. این تشکلهای برآنند که خرافاتی را شامل: ضریح پرستی و درویش مآبی (شخصیت پرستی) در میان مردم مسلمان رواج دهند تا دیگر مسلمان در همین خرافات مشغول گشته و از انحرافات که در دین او صورت می‌گیرد و از ظلم و ستمی که بروی برادران مسلمان او) روا داشته می‌شود غافل بماند.

در چنین موقعیتی ما از این طرح که بایستی در گفتمان دینی تجدید نظر صورت گیرد و به لحاظ اندیشه، اسلوب، مضمون و شکل ارتقا یابد استقبال می‌کنیم و معتقدیم این طرحی بسیار نیکوست و یک مسلمان همواره نیکوترین را انتخاب می‌کند. هرچند این که امروزه مدام توسط برخی نویسندگان (غیر اسلامی و یا ضد اسلامی) و غیره از مسلمانان درخواست می‌شود در گفتمان دینی خود تجدید نظر کنند در واقع ترفندی است از جانب دشمنان اسلام که در راستای اهداف شوم آنان طراحی گردیده است. پرواضح است این افراد به خاطر غمخواری برای دین یا مسلمانان این درخواست را مطرح نمی‌کنند زیرا در اندیشه و فکر چنین افرادی خدا و عالم آخرت جایگاهی ندارد. این افراد اصلاً به خشنودی و خشم خداوندی اهمیت نمی‌دهند و تمام هم و غم آنان این است که ارباب آمریکایی خویش را از خود راضی و خشنود گردانیده و از مال و منال و یا پست و مقامی نزد وی برخوردار گردند.

امروزه اگر ندای تجدیدگرایی در دین را سردهیم دو خطر بزرگ ما را تهدید خواهد کرد؛ یکی این که ممکن است بر اثر فشارهای آمریکای تا دندان مسلح که

با مال و دانش و سلاح و زیرکی و حيله گری؛ مسلمانان را به سوی خود فرا می خواند و از هر ابزاری برای رسیدن به اهداف خویش بهره می برد، عده ای از مسلمانان از ترس و یا از روی رغبت خواسته های آن را اجابت کنند. به این ترتیب به نام تجدید یا تجدیدگرایی در دین، اسلامی آمریکایی میان امت اسلامی رواج خواهد یافت که آن گونه که مسلمان معتقد به چنین دینی به خشنودی پدر روحانی (پاپ) می اندیشد به خشنودی و رضایت خداوند نیاندیشد.

دوم این که ممکن است گروه ها و احزابی بی دین با ترویج افکار و مفاهیم وارداتی خود تحت عنوان تجدد و تجدیدگرایی مسلمانان را از راه بی راه کنند و با این کار خود موجب تخریب و نابودی دین و یا حداقل ایجاد خلل در آن گردند. واقعیت این که ما از وجود دو جریان که هر یک از دیگری برای اسلام و جامعه ای اسلامی زیان بارتر است احساس خطر می کنیم. این دو جریان عبارتند از: ۱. جریان تندرو و متشددی که با سخت گیری های بی مورد خویش آن چه را خداوند بر مسلمین آسان گرفته سخت می کنند و در برخورد با مخالفین خویش؛ چه مسلمان باشند و چه غیر مسلمان هیچ تسامحی به خرج نمی دهند. آنها با جهان و جهانیان هر چند با مسلمانان زندگی مسالمت آمیزی داشته و در صلح باشند در جنگند.

۲. جریان سهل انگاری که در مقابل دین هیچ احساسی مسؤولیتی نمی کنند و ضمن این که از هوا و هوس خویش تبعیت می کنند مقید به هیچ اصل یا نص دینی نیستند و از هیچ پیشوای معتبری نیز متابعت نمی نمایند. چنین افرادی غربگرا شده و ضمن مخالفت و عناد با ائمه ای اسلامی از پیشوایان غربی خویش پیروی می کنند و به همان ها نیز اتکاء می نمایند.

بنابراین بر دانشمندان و دعوت گران دینی و به خصوص آنان که مردم را به میانه روی و اعتدال می خوانند لازم است که در این موقعیت بحرانی که امت اسلامی را فتنه ها و خطرها احاطه کرده، رسالت خویش را تشریح نمایند و ضمن سخنرانی ها و گفته های خویش به تبیین دیدگاه های خود پردازند تا فتنه ها فروکش کرده و به مسلمانان آسیبی نرساند. همچنین بر مسلمانان است که به حقیقتی که خداوند به امانت نزد آنان گذاشته متمسک گردند و به ریسمان محکم الهی چنگ زنند. خداوند متعال در این باره می فرماید:

﴿يُكَلِّفُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾ (احزاب: ۳۹)
 (آنان که می‌رسانند پیغام‌های خدا را و می‌ترسند از وی و نمی‌ترسند از هیچ کس مگر خدا.)

هم چنین می‌فرماید:

﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا
 وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۵۶)

(پس هر که منکر بت شود و ایمان آورد به خدا پس هر آینه چنگ زده است به
 دستاویزی محکم که نیست گسستن آن را و خدا شنوای داناست.)

شایان ذکر است به فضل و عنایت الهی از چهل سال پیش یا بیش تر یعنی از
 زمانی که در سال ۱۹۶۰ م اولین کتاب نگارنده (مؤلف) تحت عنوان، «الحلال و
 الحرام فی الاسلام» به چاپ رسید ما منهج اعتدال و میانه‌روی در دین را اختیار
 کردیم و هنوز هم همین منهج سرلوحه‌ی کار ما می‌باشد. ما معتقدیم همین
 منهج است که می‌تواند چهره‌ی واقعی اسلام را در جوامع نمودار کند. خداوند
 امتی را که بدین منهج متمسک گردد مدح فرموده و گفته است:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ (بقره: ۱۴۳)

در حقیقت امت وسط به امتی اطلاق می‌گردد که در تمامی امور عدالت و
 اعتدال را رعایت کند و از طغیان و زیان رسانیدن (به خود و دیگران) که خداوند
 از آن نهی فرموده بپرهیزد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ. الْأَتَظَفُوا فِي الْمِيزَانِ. وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا
 تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ (احسان: ۷-۹)

(و آسمان را برافراشت و فرود آورد ترازو را. [مقصد به آن‌که] از حد تجاوز نکنید در
 ترازو. و راست سنجید به انصاف و نقصان نکنید در ترازو.)

آن‌چه در این کتاب مطرح می‌کنیم به هیچ وجه شمردنی حوادث (تاریخ
 ۲۰۰۱/۹/۱۱)^۱ نیست و مطالب جدیدی نیز به شمار نمی‌آید زیرا کل محتوای

۱. منظور حوادث ۱۱ سپتامبر در آمریکا است که طی چند انفجار، چندی از ساختمان‌های تجارت
 جهانی تخریب گردید. (مترجم)

کتاب در واقع گزیده هایی است از تصنیفات و آثار قبلی ما که در این کتاب گرد هم آمده است.

امروزه بسیاری از مسلمانانی که با جریان میانه رو در دین مخالفت می کردند از منادیان اعتدال و میانه روی در دین شده اند و خود پی برده اند که شدیداً بدین امر نیازمندند. از میان حکام (اسلامی) نیز کسانی هستند که در عین حال که قبلاً از مخالفین سرسخت جریان میانه رو در دین به حساب می آمده اند امروزه بدین امر تمسک گشته و ملت خویش را نیز به این طرز فکر مأنوس گردانیده اند.

﴿قُلْ لِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (جاثیه: ۳۷)

(پس خدای راست ستایش، پروردگار آسمانها و پروردگار زمین، پروردگار عالمها، و او - راست بزرگی در آسمانها و زمین و اوست غالب با حکمت.)

پیش از آنکه این مقدمه را به پایان برسانیم متذکر می شویم که؛ چرا در عین حال که امریکا و به طور کلی غرب از ما مسلمانان می خواهند که در گفتمان دینی خود تجدیدنظر کنیم و برای تغییر و تحول آن تلاش نماییم، کسی نیست که از خود آنان بخواهد که در رویکرد و گفتمان دینی خویش تجدیدنظر نمایند. امروزه یک حزب جناح راست مسیحی که بسیار تندرو نیز می باشد بر امریکا حاکم است و سیاست های آن را تعیین می کند. از زمان کارتر (رییس جمهور اسبق آمریکا) تاکنون تمامی رؤسای جمهور آمریکا از همین جناح بوده و در راستای اهداف آن فعالیت می کرده اند تا این که بالاخره نوبت به بوش پسر رسیده است.

بوش با تمام قوای خویش سعی کرد این جناح در آمریکا بیش از پیش رشد کند (و در تمامی عرصه ها حضور یابد). عجیب این که بوش در یکی از سخنرانی های خویش می گوید: پروردگارم به من دستور داد که "بن لادن" را نابود کنم! این کار را کردم، هم چنین به من دستور داد صدام حسین را از میان بردارم! این کار را نیز انجام دادم. (بوش آن قدر این سخن را محکم و با جاذبه می گوید که گویی بروی وحی می شود).